

## برنامه ریزی و مدیریت امور توسعه

### مقدمه

آنچه را که می‌توانم در فرصتی که در اختیار دارم برای مخاطبین محترم بیان و تحلیل نمایم، چگونگی شکل گرفتن برنامه های عمرانی از ابتدای تشکیل سازمان برنامه تا امروز میباشد. با این هدف که بینیم کشور ما پس از گذشت بیش از نیم قرن فعالیت در تهیه و اجرای طرحهای عمرانی، به چه تجربیاتی دست یافته، از چه کارهایی درس گرفته و نهایتاً برنامه سازان ما ایران آینده را چگونه در ذهن خود شکل دهی کرده و کیفیت زندگی و سطح رفاه جامعه را برای نسل های آینده چگونه پیش بینی نموده اند.

سابقه برنامه ریزی در خصوص طرحهای عمرانی در ایران به ۵۴ سال قبل باز می گردد. این کار با شروع فعالیت سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷ آغاز شد. در آن زمان سازمان برنامه درآمدهای حاصل از فروش نفت را که به منظور فعالیت های عمرانی تخصیص یافته بود برای اجرای طرحهایی که خود تهیه می نمود، هزینه می کرد.

از آنجا که فعالیت های مزبور به صورت منفرد در مناطق مختلف کشور وسیع ایران نمی توانست تاثیر زیادی بر امکانات و منابع طبیعی کشور بگذارد ، لذا خط مشی برنامه ریزان آن زمان بر این امر استوار گردید که هر نوع طرح عمرانی در هر گوشه ای از کشور که اجرا شود ، در هر شرایطی به نفع جامعه می باشد. به همین سبب خط مشی سازمان برنامه برای عمران کشور در ۵۰ سال پیش ، با شرایطی که آن زمان می طلبید ، تا حدودی منطبق بود.

از سال ۱۳۵۰ که درآمدهای حاصل از فروش نفت به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت ، و قیمت فروش هر بشکه آن طی ۳ سال به ۶ برابر افزایش یافت ، مساله انباشته شدن مبالغ معتناهی درآمدهای ارزی در بین کشورهای اوپک و کاهش قابل توجه درآمد کشورهای خریدار نفت عدم تعادلی را در تجارت بین المللی ایجاد نمود. این امر مقامات سیاسی کشورهای اوپک منجمله ایران را وادار نمود که درآمدهای حاصل از فروش نفت را از طریق تجارت خارجی باز چرخانی کنند.

در این خصوص مسئولان وقت در ایران موضوع تدوین برنامه ای راهنما ، برای استفاده از درآمدهای ارزی را مورد توجه قرار دادند. با این هدف که با استفاده از مبالغ مزبور طی مدت ۲۵ سال ایران بتواند

هم تراز کشورهای پیشرفته اروپائی گردد و در عین حال انرژی مورد نیاز کشور را پس از کاهش ذخایر نفتی ، از طریق احداث نیروگاههای هسته ای تامین نماید.

این موضوع در سازمان برنامه پی گیری شد و نهایتاً طرح مطالعات آمایش سرزمین با هدف ساختن ایرانی پیشرفته که بتواند بدون درآمد حاصل از فروش نفت ، زندگی مرفهی را برای جامعه ایجاد نماید در دست مطالعه قرار گرفت.

مطالعات مزبور در سال ۱۳۵۶ پایان یافت و تصویر ایران در درازمدت (سیمای ایران در افق ۱۳۹۱) که در آن جامعه ایرانی با فرهنگ پیشرفته ، زندگی خود را در رفاه نسبی و بدون وابستگی به درآمد نفت گذران نماید ، تهیه و راههای اجرایی آن طی ۸ برنامه عمرانی ۵ ساله تدوین و به دستگامهای اجرایی کشور ارائه شد. در عین حال برای تامین نیازهای کشور به انرژی غیرنفتی ، قراردادهائی برای احداث ۱۶ نیروگاه هسته ای بزرگ در کشور منعقد گردید تا وابستگی ایران به ذخایر نفتی رو به اتمام ، به حداقل برسد. متأسفانه با بروز جنگ ایران و عراق از سال ۱۳۵۹ و انهدام بسیاری از تاسیسات اقتصادی و بهم خوردن تعادل های لازم برای فعالیت های عمرانی در کشور ، مساله ساخت ایران آمایش یافته آتی اهمیت خود را از دست داد و مسئولان کشور پس از اتمام جنگ به رفع مسائل فوری نظیر بازسازی شهرها و تاسیسات اقتصادی از بین رفته و اسکان مجدد جمعیت هایی که در اثر جنگ اماکن مسکونی و تاسیسات اقتصادی خود را از دست داده بودند ، روی آوردند و برای این کار نیز فرصتی به وجود نیامد که بازسازیها با رعایت اصول و سیاست های آمایش سرزمین صورت پذیرد.

## سیاست های برنامه ریزی در کشور

آنچه که میتوان از ۵۰ سال تجربه در برنامه ریزی طرحهای عمرانی در کشور مشاهده نمود این است که کشور ما طی این مدت برنامه ای که اهداف و گرایش های شناخته شده ای را پیگیری کند بطریقی که جامعه ما از قبل بدانند که پس از گذشت ۴۰ سال ، تصویر ایران ساخته شده آتی چه شکل و هیئتی خواهد داشت و چه امکانات و محدودیت هائی بر آن حاکم خواهد بود ، تعقیب نکرده است. بعلاوه آنچه که امروزه مشاهده میشود این است که برنامه ریزی در کشور ما عملاً همان سیاست ۵۰ سال قبل را تعقیب مینماید و شاید بتوان گفت در مواردی تفرق در برنامه ریزی و عدم هم آهنگی در طرحها ، نسبت به قبل نیز افزایش یافته است.

در دهه اول فعالیت سازمان برنامه ، طرحهای عمرانی عمدتاً در دفتر فنی سازمان برنامه و نیز با کمک مشاوران داخلی و خارجی تهیه می شد و در همان دفتر اولویت بندی و سپس بمرحله اجرا گذاشته

میشود. از آنجا که تعداد طرحهای عمرانی مورد نظر برای اجرا زیاد نبود، مسئولان و کارشناسان دفتر فنی تمامی آنها را می توانستند برای خود تجسم کرده، وضعیت ایران پس از اجرای طرحها را بخوبی مشاهده نموده، ایرادات و تناقضاتی که در اثر اجرای طرحهای متفاوت می توانست بوجود آید، تشخیص داده و سریعاً آنها را اصلاح نمایند.

امروزه که تعداد طرحهای عمرانی کشور از یک سو گسترش زیادی پیدا کرده و از سوی دیگر تهیه طرحها نیز که قبلاً تنها در یک دفتر فنی کنترل میشد، بین وزارت خانه های مختلف توزیع شده است، سبب گردیده که کنترل مزبور از ید اختیار سازمان مدیریت و برنامه ریزی خارج شود و نقش سازمان مدیریت و برنامه ریزی عملاً به توزیع بودجه برای طرحهای ارائه شده از سوی وزارت خانه های بخشی تقلیل یابد. این وضعیت باعث شده است که تدریجاً کارشناسان برنامه ریزی در سطح ملی بجای اینکه روز به روز تجربیات ایشان در این کار افزایش یابد، تدریجاً از کار برنامه ریزی دور شوند و کار خود را به توزیع و تخصیص بودجه برای ارگانهای مختلف تقلیل دهند.

نتیجه اینکه سازمان مدیریت و برنامه ریزی بجای اینکه بعد از ۵۰ سال تجربه بتواند بخوبی طرحهایی را تهیه و یا تصویب نماید که منطبق با مشخصات ایران پیشرفته آتی باشد، متأسفانه همچنان دنباله رو طرحهای منبعت از تفکرات کارشناسان و مدیران وزارت خانه های بخشی میباشد که هر یک از دیدگاه مورد نظر خود، طرحهایی را برای دوره های مسقف به ۵ سال تهیه می نمایند.

در چنین شرایطی این پرسش را میتوان برای خود مطرح نمود:

- آیا میتوان پیش بینی نمود که فعالیت های اقتصادی ایران در ۳۰ یا ۴۰ سال بعد چه مشخصاتی خواهد داشت؟
- آیا ایران ساخته شده با روش های کنونی طراحی، قادر است غذای مورد نیاز جامعه ۴۰ سال بعد را تامین کند و در این مورد راههای آن شناسایی شده است؟
- آیا پیش بینی شده است که پس از اتمام ذخایر نفتی کشور، انرژی مورد نیاز از چه طریقی تامین میشود؟ بمنظور ارائه تصویری از میزان دقت این برآوردها متذکر می گردد تنها در دوره ۵ ساله برنامه عمرانی امروزی، فقط ۱۰٪ میزان اشتغال پیش بینی شده بمرحله اجرا در آمده و ۹۰٪ اشتغال پیش بینی شده بوقوع نپیوست.
- آیا پیش بینی هایی که در کمتر از یک دوره ۵ ساله با ۹۰٪ خطا همراه است، می تواند برای دراز مدت قابل اعتماد باشد؟

اینجاست که ضرورت دارد هدف اصلی همایش را که همانا بازبینی مبنای اندیشه ای در برنامه سازی است ، در تهیه طرحهای عمرانی ملحوظ داشت. به این معنی که آنچه را که تاکنون مبنای برنامه ریزی در ۵۰ سال گذشته بوده است به فراموشی سپرد. یعنی فراموش کنیم که "هر نوع طرح عمرانی که اجرا شود به نفع کشور است". این طرز فکر مدتهاست ارزش خود را از دست داده است و کاربرد مجدد آن میتواند در بسیاری از موارد با تناقضات مختلف روبرو شود و نهایتاً به ائتلاف سرمایه ملی منتهی گردد.

فراموش کنیم که آنچه را که خود بهترین طرح برای پیشرفت کشور می دانیم ، الزاماً بهترین طرح یا حتی طرح ضروری برای ایران آینده باشد. بلکه برعکس بایستی طرح ها ، عقاید و نظریه های مختلف قابل کاربرد در طراحی ایران آینده ، همانند امکانات موجود در صفحه شطرنج مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد و سپس در مورد اجرای آن تصمیم گیری شود.

فراموش کنیم که ابتکار مطالعه و تدوین سیاست های عمرانی بخش های مختلف فعالیتهای اقتصادی کشور را به گروه های خارج از دفتر مرکزی برنامه ریزی بسپاریم و یا هر نوع طرحی که از سوی نهادهای بخشی خارج از دفتر برنامه ریزی و سیاست گذاری ، تحت عنوان برنامه ضروری برای عمران کشور می رسد ، بپذیریم و خواسته های ایشان را عمل نماییم. چه یقیناً پذیرش طرحهای عمرانی که ضرورت آنها در دفتر مرکزی برنامه ریزی قبلاً به اثبات نرسیده است می تواند یا در تناقض با سیاست های عمرانی دفتر مرکزی برنامه ریزی قرار گیرد و یا حداقل بدون ارزش باقی بماند

ما در اینجا قصد نداریم چگونه فکر کردن در مورد برنامه ریزی ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم بلکه به ذکر این نکته بسنده می کنیم که بدون داشتن ایده های اولیه در خصوص یک جامعه و سرزمین آن و یا بدون آگاهی از امکانات و محدودیت های موجود در آن سرزمین و بدون تعیین سیاست ها و گرایشهای اولیه برای تعیین اهداف و خط مشی های اجرائی برای سرزمینی که طرح های متعددی در آن اجرا شده ، نه تنها نمی توان برنامه عمرانی دراز مدت مفیدی تهیه نمود ، بلکه هر نوع اقدامی در این خصوص میتواند خسارت های جبران ناپذیری را برای آینده آن سرزمین و جامعه ساکن در آن بوجود آورد.

شواهد در این مورد زیاد است و قصد نداریم با وارد شدن در آنها موجبات ملال خاطر مخاطبین محترم را فراهم آوریم و تنها نمونه هایی از آنها را بیان می کنیم.

۱- سد سفید رود ۴۵ سال پیش با هدف جبران کمبود نیازهای آبی شالیزارهای منطقه رشت و با منطبق برنامه ریزی آن زمان که قبلاً بیان گردید ، احداث شد.

این تصمیم بر اساس نیاز شالیکاران منطقه رشت و حداکثر برای ۴ ماه از سال ، آن هم برای سالهای کم باران اتخاذ شد. هیچ نوع مطالعاتی که توجیه کننده لزوم احداث چنین سد بزرگی در آن منطقه باشد ،

صورت نگرفته است. حوزه آبریز سد مزبور ، آبهای جاری منطقه وسیعی از حوالی همدان تا منجیل را در مخزن خود جمع آوری می کند و تحت عنوان نیازهای آبی شالیزارهای رشت آنها را رها می کند. کانال های آبیاری احداث شده و شبکه آبیاری سنتی منطقه شالیزارهای رشت ، هیچگاه از ابتدای احداث سد تاکنون نتوانسته است از تمامی امکانات آبهای تنظیم شده استفاده کند ضمن اینکه حجم مخزن سد نیز از حدود ۲۵ سال قبل تاکنون بمیزان بسیار زیادی از رسوبات رودخانه ای انباشته شده و قدرت تنظیم آب نیز به میزان بسیار زیادی کاهش یافته است.

از مجموعه مسائل ناشناخته ای که در مورد سد سفید رود وجود دارد این است که در کشور ما که کمبود آب بزرگترین عامل محدود کننده توسعه کشور است ، چگونه می توان پذیرفت که آبهای جاری حوالی همدان برای آبیاری شالیزارهای منطقه رشت تخصیص یابد. آنچه که بیشتر قابل توجه است اینکه ، امروزه که ۵۰ سال از زمان مطالعه و احداث سد سفید رود می گذرد ، همان سیاست ۵۰ سال قبل یعنی تخصیص آبهای منطقه همدان برای آبیاری شالیزارهای رشت مجدداً مورد تأیید قرار گرفته و سد استور روی رودخانه سفید رود ( شاخه قزل اوزن ) ، با همین هدف در دست ساخت قرار گرفته است.

سوال اینجاست :

آیا آبهای زیرزمینی منطقه رشت نمی توانست نیازهای آبی حداکثر ۴ ماه از سال را برای شالیزارها تامین کند؟

آیا سدهای در دست احداث یا مطالعه در گیلان نمی توانند نیازهای آبی ۴ ماهه شالیزارهای منطقه را تامین کنند و حتماً بایستی سد استور را برای این هدف ساخت؟

۲. شهر تهران از حدود ۳۰ سال قبل تاکنون روند گسترش فزاینده ای داشته است.

کلیه اقداماتی که تاکنون با هر هدفی در شهر تهران صورت گرفته تنها به یک راه حل منتهی شده و آن گسترش سطحی و ارتفاعاتی آن بوده است. بعبارت دیگر تنها سیاستی که در شهر تهران طی این مدت عملاً بمرحله اجرا درآمده و همه مدیران شهری در اجرای آن مشارکت داشته اند ، گسترش شهر و تراکم جمعیت آن بوده است. معذالک بایستی اعتراف نمود که کلیه مسئولان مدیریت شهر تهران در طی این مدت با این روند گسترش اظهار مخالفت نموده اند ، لیکن اقدامات پیشگیرانه آنها عملاً به افزایش سرعت گسترش شهر منتهی گردیده است.

کلیه مسئولان مدیریت شهر تهران ، هر یک به سهم خود تا به امروز راه حل هائی را برای پیشگیری از این گسترش انفجار گونه ، بررسی و بمرحله اجرا در آورده اند ولی نتیجه آن همان است که همگان شاهد آن هستیم.

در اینجا نیز باید گفت که مساله شهر تهران شبیه مسائل موجود در صفحه شطرنج می باشد که راه حل آن توسط افکار متمرکز شده شطرنج باز با تجربه ای که تمامی مسائل صفحه شطرنج را در مقابل خود تجزیه و تحلیل می نماید، تعیین و تصمیم گیری شود و نه توسط اشخاصی که راه حل های اصولی را ارائه می نمایند. نباید از نظر دور داشت که:

شهر تهران حدود ۲۰ درصد کل جمعیت ایران را در خود جای داده است.

شهر تهران و جامعه مقیم آن قسمت اعظم ثروت کشور را به خود تخصیص داده است.

شهر تهران بیش از ۵۰ درصد نیروی انسانی فرهیخته کشور را در اختیار دارد.

شهر تهران مدیریت کل کشور را در اختیار دارد.

در چنین شرایطی منطق ایجاب می کند که مساله گسترش فزاینده شهر تهران توسط ارگانی که کلیه مسائل کشور را تحت مراقبت و کنترل خود دارد مورد مطالعه قرار گیرد و نه بصورت موضعی توسط مدیرانی که فقط با مسائل داخلی شهر تهران آشنایی دارند، تحقیق شود. این نوع بررسیهای موضعی همانطور که در سطور بالا اعلام گردید، نتیجه ای جز آنچه که قبلاً اعلام شد و طی ۳۰ سال گذشته تجربه گردید، نخواهد داشت.

۳- وزارت راه و ترابری برای ایجاد ارتباط بین شرق و غرب دریاچه ارومیه، جاده ای از میان آبهای دریاچه ساخته است و قصد دارد یک پل عظیم زیر گذر برای کشتیرانی و رو گذر برای وسائط نقلیه زمینی نیز در آن احداث نماید.

وزارت نیرو نیز به منظور استفاده از آب رودخانه های منتهی به دریاچه ارومیه، احداث تعداد زیادی سد را روی رودخانه های آن حوزه پیش بینی نموده و در دست مطالعه و ساخت دارد. با احداث این سدها و استفاده از آنها برای کشاورزی، حجم آب ورودی به دریاچه ارومیه به ۵۰٪ مقدار کنونی آن خواهد رسید. میتوان بخوبی پیش بینی نمود که با احداث سدهای مخزنی مورد نظر وزارت نیرو و کاهش یافتن حجم دریاچه ارومیه به ۵۰٪ وضعیت امروزی آن، قسمت اعظم جاده احداث شده در دریاچه، از آب بیرون خواهد آمد و وسائط نقلیه زمینی نیز بدون نیاز به عبور از پل می توانند از بیرون دریاچه کوچک شده آتی رفت و آمدهای خود را از شرق به غرب دریاچه و بالعکس انجام دهند.

اینجا است که مشاهده می شود نتیجه اجرای طرحهای منبعث از تفکرات کارشناسان ارگانهای بخشی در کشور، که بدون مطالعه و بررسی در سطح ملی انجام می گردد، به چه وضعیتی منتهی می شود. همانطور که ملاحظه می شود:

- ما در اینجا بحث نکردیم که راه پیشگیری از گسترش فزاینده شهر تهران را چگونه بایستی جستجو کرد.

- ما در اینجا بحث نکرده ایم که سیاست گذاری در کاربرد منابع آب کشور چگونه باید تدوین شود و چه ملاحظاتی در آن رعایت گردد.
  - ما در اینجا بحث نکرده ایم که برای خودکفائی کشور و نیز توسعه صادرات محصولات کشاورزی چه سیاست هائی را باید بکار گرفت.
- بلکه هدف ما تنها توجه به این نکته است که هر طرحی با ظاهری هر چند آراسته و قابل توجیه ، در صورتیکه هم آهنگی و انطباق لازم با سیاست های عمرانی کشور نداشته باشد میتواند ، نه تنها مفید واقع نشود بلکه در مواردی با خسارات سنگینی نیز برای جامعه همراه باشد.
- بحث در این موارد را ادامه نمی دهیم و در همین جا متوقف می کنیم لیکن این نکته را یادآور می شویم که :
- مطالعه و تعیین سیاست های دراز مدت عمرانی کشور ، منطبق با شرایط ویژه سرزمین ایران مهمترین وظیفه ای است که مسئولان محترم برنامه ریزی در کشور ما بایستی به آن متعهد باشند.

## آمایش سرزمین

- اعتقاد ما بر این است که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بایستی هر چه سریعتر طرح ایران پیشرفته ۴۰ سال آینده را تهیه کند و به اجرای بخشهای مختلف آن ( در مقاطع ۵ ساله ) همت گمارد. طرحی که همگان ببینند ایران آتی چه شکل و هیئتی خواهد داشت.
- ایران آتی چه جمعیتی را با رفاه نسبی می تواند در خود بپذیرد و حداقل سطح زندگی جامعه شهری و جامعه روستایی را در چه مقیاسی تعریف خواهد کرد.
  - ایران آتی برای پیشگیری از مهاجرت ها ( که همیشه با فعالیت های عمرانی کشورها همراه است)، چه راه حل هایی را ارائه می نماید.
  - ایران آتی چه نوع فعالیت هایی را برای تامین رفاه جامعه تعیین کرده است و برای این کار از کدام امکانات کشور استفاده خواهد کرد و آنرا چگونه اجرا خواهد نمود.
  - ایران آتی چه نیازهایی را هم چنان مجبور خواهد بود از خارج تامین نماید و چه مازادهایی را می تواند به خارج از کشور صادر نماید.
  - ایران آتی در استفاده از منابع و امکانات طبیعی کشور در چه زمینه هائی اجباراً منابع موجود را به صورت بالاتر از ظرفیت بهره برداری می کند و با چه هدفی و برای چه مدت.

برای روشن تر شدن موضوع ، امکانات آبی کشور را از نظر می گذرانیم.

مقدار اتلاف آب در کشور و تخلیه آنها به سمت دریاها از نیم قرن پیش تاکنون در کشور ما تغییر محسوسی ننموده است. حال آنکه بودجه های بسیار زیادی از آن زمان تاکنون برای کنترل و پیشگیری از اتلاف آبها هزینه شده است. یادآوری می گردد در حال حاضر حدود ۵۰٪ آبهای جاری کشور هم چنان در خلیج فارس و دریای خزر و یا به کشورهای همسایه تخلیه می شود.

- آیا این سیاست یعنی رها کردن آبهای ایران و تخلیه آن در خلیج فارس و دریای خزر که تاکنون وجود داشته هم چنان ادامه خواهد یافت؟

- آیا هم چنان ۹۰٪ روغن خوراکی جامعه ایرانی از کشورهای که از آبهای خود برای توسعه صادرات کشاورزی استفاده می کنند خریداری خواهد شد و در اختیار مصرف کنندگان ایرانی که منابع آبهای خود را در دریا تخلیه میکنند ، گذارده می شود؟

- آیا ایران آتی در استفاده از منابع آبهای کشور مانند آنچه که امروز مشاهده می شود ، تولید نیروی برق را عملاً نسبت به تولیدات کشاورزی در اولویت قرار میدهد و نیازهای کشاورزی را از خارج از کشور تامین می نماید؟

- آیا ایران آینده با توجه به افزایش جمعیت آن ، هم چنان بزرگترین کشور واردکننده بعضی از اقلام کشاورزی در جهان خواهد ماند؟

در اینجا لازم است این نکته را متذکر شویم که سرزمین ایران سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آبهای جاری در رودخانه ها و ۳۵ میلیارد متر مکعب ظرفیت استخراج آبهای زیرزمینی دارد و در واقع مجموعاً ۱۳۵ میلیارد متر مکعب امکانات آبی مستقیم در اختیار دارد. \*

اگر از این مقدار تنها ۶۰٪ آن یعنی ۸۰ میلیارد متر مکعب آنرا برای تولیدات کشاورزی تخصیص دهیم و بطور متوسط نیاز هر هکتار اراضی آبی کشور را ۸۰۰۰ متر مکعب در سال در نظر بگیریم و از هر هکتار اراضی آبی بطور متوسط ۴۰ تن فرآورده غذایی بدست آوریم ، ایران می تواند سالانه ۴۰۰ میلیون تن فرآورده غذایی تولید کند و این مقدار مواد غذایی می تواند نیاز جمعیتی برابر با ۷۰۰ میلیون نفر را تامین نماید. و اگر از هر هکتار زمین با تکنولوژی قدیمی و نیمه صنعتی فقط ۲۰ تن فرآورده غذایی بدست آید ، غذای جمعیتی معادل ۳۵۰ میلیون نفر تامین می شود.

اکنون که ملاحظه می شود ایران هم چنان وارد کننده مواد غذایی به کشور است و در بعضی از اقلام آن رکورد واردات در جهان را در اختیار دارد ، آیا می توان پذیرفت که در استفاده از آبهای جاری کشور ، اولویت هم چنان به تولید نیروی برق داده شود و نیازهای کشاورزی و غذایی کشور از خارج تامین شود؟



پاسخ یقیناً منفی است.

پس علت چیست و مشکل در کجا است؟

خاطر نشان می‌سازد تولید نیروی برق از طریق احداث نیروگاه‌های آبی یعنی احداث سدهای برق‌آبی بسیار آسان است. یعنی به محض پایان یافتن عملیات ساختمانی و نصب نیروگاه، امکان انتقال نیروی برق به شبکه و سپس دریافت ماهانه قیمت نیروی برق مصرفی به صورت مرتب، کاملاً سهل الحصول است. حال آن که برای استفاده از آب در کشاورزی، فرایند پیچیده‌ای را بایستی طی نمود که مشتمل است بر:

ایجاد محدوده‌های کشاورزی، احداث شبکه‌های مجهز آبیاری و زهکشی، بوجود آمدن درگیری با مالکیت‌های اراضی برای عبور کانال‌های آبیاری و زهکشی و یا جاده‌های دستیابی، آماده‌سازی زمین، کاشت، داشت، برداشت، نگهداری و سپس تجاری کردن محصولات (بسته بندی) و حمل به بازار و فروش محصولات و نهایتاً بازیافت سرمایه‌های هزینه شده طی اقساط مختلف مطمئن و غیر مطمئن.

به همین لحاظ مسئولان محترم، در تعیین اولویت، به استفاده از آب در تولید برق بیشتر راغب می‌شوند و بعبارت دیگر راه حل آسان تر را برای خود بر می‌گزینند.

در اینجا این سوال می‌تواند مطرح شود که بر اساس کدام مبانی اندیشه‌ای، مسئولان برنامه‌سازی کشور، ابتکار سیاست‌گذاری و تعیین اولویت در استفاده از آب را در کشور از خود سلب مینمایند و آنرا به دستگاه‌های اجرائی که مسئولیتی متفاوت با طراحان ایران پیشرفته آتی دارند، واگذار می‌کنند. بویژه عنصری که مهمترین نقش را در موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌های عمرانی داشته و مهمترین عامل محدود کننده توسعه کشور است و تمامی تصمیمات امکان‌پذیر برای ارتقا سطح زندگی جامعه، بعد از سیاست‌گذاری کاربرد آب در کشور می‌تواند اتخاذ شود.

## نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه گردید، در مجموعه آنچه که از نظر گذشت ما پیشنهادی را برای طراحی مبانی اندیشه‌ای که هدف اصلی این همایش است ارائه نکردیم و ترجیح دادیم آنرا بعهده کارشناسان برگزارکننده همایش بسپاریم. زیرا ایشان هستند که تمامی مسائل مورد بحث در همایش را تجزیه و تحلیل خواهند کرد و بالطبع آمادگی بیشتری برای دستیابی به نتیجه مورد انتظار خود را خواهند داشت. ما در اینجا تنها سعی کردیم تنگناهایی را که در مدت ۵۴ سال فعالیت‌های عمرانی در کشور به وجود آمده است، با ارائه شواهدی چند، بیان کنیم و با بیان شواهد و نقاط گرهی اشاره شده، به این نکته توجه کنیم که شرایط کنونی برای عمران و توسعه کشور، نیاز به اصلاحات بنیادی در مبانی اندیشه‌ای برنامه‌سازان ما دارد. واقعیت این

است که اظهار نظر و ملاحظات در مورد این مبحث (یعنی طراحی مبانی اندیشه ای) ظاهراً بسیار ساده و آسان است. اما آنچه که در عمل مشاهده می شود و از گفتگو با بسیاری از برنامه سازان امروزی استنباط می شود، این است که همگی موضوع اصلاح در مبانی اندیشه ای را تأیید می کنند لیکن چند کلامی که در ادامه تأیید خود بیان می کنند، بلادرنگ مشاهده می شود که ایشان هنوز در محیط برنامه سازی ۵۰ سال قبل تفکر می کنند و ملاحظات ارائه شده ایشان دقیقاً همان راه را می پیماید. این امر نشان می دهد که خارج ساختن افکار کارشناسان و برنامه سازان از محیط فکری، که با آن رشد کرده اند، کار آسانی نیست.

از آن جا که هدف از برگزاری این همایش همانا طراحی مبانی اندیشه ای است، امیدوارم مسئولان محترم همایش برای پیشگیری از بروز مباحث و گفتگوهای متفرق و بی انتها که برای بیان مبانی اندیشه ای می تواند مطرح گردد، مساله را بطریقی سیاست گذاری کنند و خط مشی دهند که هر چه سریعتر به ارائه راه حل ها و متدولوژی کار برنامه سازی برسند. توجه داشته باشیم که متدولوژی های مرسوم در دنیا از نظر اصول صحیح است لیکن وضعیت اختصاصی ایران شرایط خاص خود را می طلبد که بدون شناخت کافی و بدون توجه به آنچه را که ظاهراً می بینیم (ولی در واقع در بسیاری از موارد نمی بینیم)، نمی توان متدولوژی مناسب برای برنامه سازی در شرایط اختصاصی ایران را تهیه نمود و این امکان نیز وجود دارد که در این راه بسهولت به بیراهه برویم و به نتیجه ای که انتظار آنرا داریم نرسیم. توجه داشته باشیم که این مورد برای اولین بار نیست که در کشور ما آزمایش می شود و اگر خوب عمل نکنیم یقیناً برای آخرین بار نیز نخواهد بود. با این امید که کشور ایران بتواند منبع مسیر توسعه و تکامل خود را بر اساس سیاست های کاملاً روشن و هدفهای شناخته شده و سازگار با شرایط خود طراحی کرده و پیماید، موفقیت همه کارشناسان و مسئولان محترم و برنامه سازان کشور را برای ساختن ایرانی پیشرفته با جامعه ای فرهیخته، آرزومندم.

فرهنگ مستقیمی

بهمن ماه ۱۳۸۱

### فهرست منابع:

- گزارشهای مطالعات طرح آمایش سرزمین - مهندسان مشاور ست ایران ۵۶ - ۱۳۵۵
- مطالعات توسعه اقتصادی استان خراسان - مهندسان مشاور ست کوپ (انترناسیونال) تهران - پاریس ۱۹۷۱
- اسناد گزارش های مربوط به منابع آب کشور - وزارت نیرو و مهندسان مشاور بخش آب
- راهنمای تهیه پروژه های توسعه کشاورزی ۱۹۷۵ - Paris - SCET International
- \*وزارت نیرو - اسناد و مدارک بیلان آب کشور